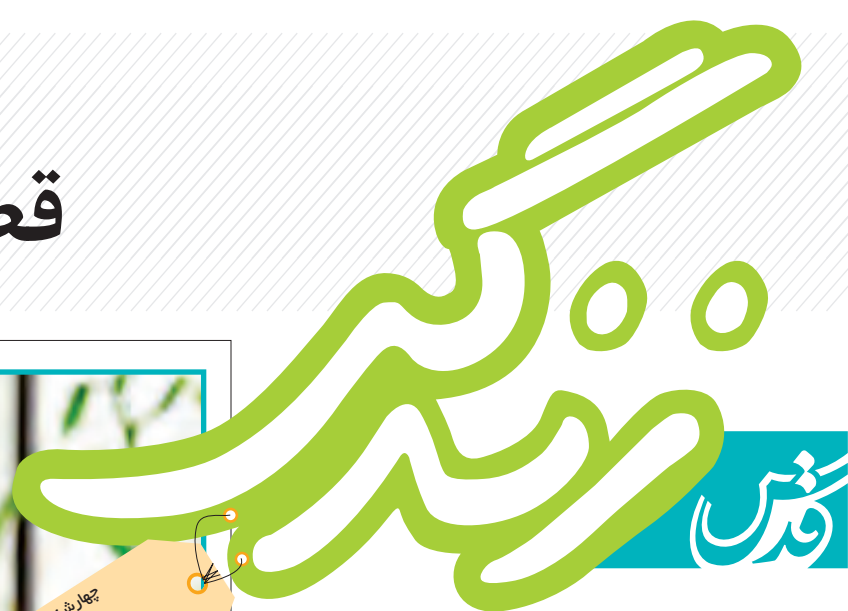




گفت‌وگو

دور دست‌ها

خوداستناینداری

قدس زندگی: از سال‌ها پیش که جنگ سرد میان ابرقدرت‌های بلوک شرق و غرب پایان یافت و به قول برخی از متفکران، شکل و نظم حاکم بر جهان تغییر کرد، ظاهراً ابرقدرت‌های دو طرف هم از خر شیطان پیاده شدند تا همه سیاستمداران و سیاست‌سازان جهان امیدوار شوند که سایه شوم جنگ سوم جهانی، دست از سر جهان برداشته است. «جان پیلجر» روزنامه‌نگار، گزارشگر و مستندساز معروف استرالیایی تبار که در ۵۰ سال گذشته جنگ‌ها و درگیری‌های زیادی را در سراسر جهان پوشش داده و جوایز معتبری را هم برنده اما جور دیگری فکر می‌کند. بخش‌هایی از سخنان و نظرات او را که روز گذشته «فارس» منتشر کرده بخوانید: «جهان قطعاً در تلافی‌گاه ژئوپلیتیک خطرناک‌تری حتی به نسبت زمان بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ در اوج جنگ سرد قرار دارد. تهدید جنگ شاید عاجل نباشد، ولی ما می‌دانیم یا باید بدانیم که رویدادهای می‌توانند به سرعت تغییر کنند... زنجیره‌ای از رخدادها و گام‌های اشتباه می‌تواند موجب در گرفتن جنگی شود که می‌تواند به شکلی غیرقابل پیش‌بینی گسترش پیدا کند... یک «دشمن» حداقل ۱۲ دقیقه فرصت دارد تا تصمیم بگیرد آیا باید دستور یک عملیات تلافی‌جویانه اتمی را بدهد یا خیر؟... به شکل قابل توجهی بیشتر ناامنی‌های بشریت در خودباوری و خودتوهمی یک کشور ریشه دارد. یعنی ایالات متحده آمریکا درک تصور آمریکا از خودش معمولاً برای بقیه ما دشوار است... از زمان پربندت روزولت «مأمور مأموریت مقدس» آمریکا، سلبه بر بشریت و منابع حیاتی آن، اگر از طریق ارباب و رشوه‌نشد پس از طریق خشونت بوده است! در دهه ۱۹۴۰ «روشنفکران جنگی» آمریکا نظیر جرج کتن، دیپلمات و مورخ، ضرورت سلبه آمریکا بر حوزه‌ای بزرگ را توضیح داده‌اند که بخش عمده‌ای از جهان به خصوص اوراسیا و به‌ویژه چین را دربرمی‌گیرد. کتن نوشته بود غیرآمریکاییان باید خود را با «تصور ما» منطبق کنند، آمریکا یک سرمشق است... در سال ۱۹۴۵ این دیدگاه با هذیان با شکست آلمان نازی دستخوش یک تغییر شد. امروز بسیاری از آمریکاییان معتقدند چون کشورشان پیروز جنگ جهانی دوم شده، آن‌ها انسان‌هایی «استثنایی» هستند... باید اضافه کنیم که «خود استناینداری» تنها مورد پذیرش راست آمریکایی قرار ندارد... کسانی که خود را «چپ» توصیف می‌کنند نیز به آن اعتقاد دارند... «جان پیلجر» در پاسخ به این پرسش که با وجود سوابق و جوایز معتبری که برده‌اید چرا مدتی است مطلب و نوشته‌ای از شما در روزنامه‌های معتبر دیده نمی‌شود هم گفته است: «مانی که من کارم را آغاز کردم روزنامه‌نگاری شرکتی نبود... امروز افراد صاحب رأی و مستقل حقیقی در رسانه‌های جریان اصلی جایی ندارند، به نحوه نگارش خبرها نگاه کنید... تقریباً هیچ کدام آن‌ها سراسر راست نیستند من سال‌ها برای گاردین نوشته‌ام. آخرین مطلبم پنج سال پیش نبود!»

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸
۷ ربيع الثانی ۱۴۴۱
۲ جمادى الاول ۱۴۴۱
۹ دسامبر ۲۰۱۵
ZENDEGE@QUDSONLINE.IR



نگاهی به زندگی «وحیدرجبلو» توان یاب ۹۸ درصدی که یک استارت‌آپ چند هزار نفری را مدیریت می‌کند

استیون هاو کینگ وطنی

عکس: عارف فتاحی‌الکبری / مهر

گفت‌وگو با کارگردان پویانمایی «آخرین داستان» که این روزها روی پرده سینماهاست

قصه‌ای از شاهنامه در فصل سرد سینما

۱۲

۱۱۰ ورزش

پرسپولیس در ماهشهر، تراکتور میزبان مس

استقلال – سپاهان فینال در یک چهارم

مذاکرات تاج برای فسخ قرارداد ویلموتس شروع شد

برانکو حرفش را به کرسی نشاند



مسی برای ششمین بار برنده شد
امپایه برای کسب توپ طلا چه کار کند؟

بیشتر جام ببر کمتر مصدوم شو!

مجازآباد

کدام طرف ایستاده‌ای؟



کارن همایونفر که چند روز پیش با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش از بازی‌های سیاسی سلبریتی‌ها انتقاد کرده بود، پس از بالاگرفتن انتقاد سلبریتی‌ها از خودش، در اینستاگرامش نوشت: «تاریخ هر سرزمینی پیچ‌های تند و خطرناک دارد، تاریخ سرزمین ما بیشتر از کشورهای دیگر از انقلاب مشروطه به این سو که دیگر هیچ تند بود. همه این‌ها هم فقط چند صفحه تاریخ می‌شود که معلوم نیست ۱۰۰ سال دیگر کسی حتی بخواند. مهم این است که در پیچ‌های تند کدام طرف ایستادی. طرف مردمت، طرف سرزمینت، طرف نسل‌های بعد یا طرف عافیت و پول و زندگی بی‌دغدغه؟»

کودکان دیگر چی؟



دربوش فرضیایی یا همان عمو پورنگ، درواکش به دستگیری مردی که یک کودک کار را در سطل زباله انداخته بود، در اینستاگرامش نوشت: «به نظر شما این ختم ماجراست! اینکه پس از انتشار فیلم چند نفر واکنش نشان دادند و حتی سرپرستی و خرج زندگی و تحصیل و تمکن مالی این کودک را به عهده گرفتند. این کودک بیچاره به‌واسطه نشر این فیلم شناخته شد و توانستند مجرم رو پیدا کنند، اما کودکان دیگر چی؟ در روز چند تا کودک نظیر همین بچه‌های معصوم را در خیابان‌ها می‌بینیم که یا سر در زباله‌ها دارند یا سر چهارراه شیشه ماشین پاک می‌کنند یا کنار پیاده‌رو نشسته و دستفروشی می‌کنند؟ آیا وقت آن نرسیده که فکری اساسی برای این معضل اجتماعی داشته باشیم؟»

فیلمی برای دهه هشتادی‌ها



بهرام رادان در آخرین پست اینستاگرامش عکسی از پشت صحنه فیلم «گره سیاه» را منتشر کرد و در باره آن نوشت: «فیلمی که مخاطب آن «دهه هشتادی‌ها» هستند، روزهای پایانی «گره سیاه» با گذشت نزدیک به دو ماه از آغاز «گره سیاه» فیلم‌برداری این فیلم همچنان ادامه دارد. فیلم‌برداری فیلم «گره سیاه» به کارگردانی کریم امینی اواخر مهرماه آغاز شد و تا به حال اغلب بازیگران آن جلو دوربین رفته‌اند. پیش‌بینی می‌شود در هفته‌های آتی فیلم‌برداری «گره سیاه» به پایان برسد.»

نامیدن‌سیستم



علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم پرسپولیس پس از تا‌نامی در کسب عنوان بهترین بازیکن سال آسیا با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود به این موضوع انتقاد کرد. بیرانوند در این‌باره نوشته است: «ها بزار امید و آرزو رفته فراموشه مراسم برترین‌های سال آسیا، به محض رسیدن خبر دادند که از آن دیگری‌ست! سخت بود، گذشت... ما هم می‌گذریم! به‌رغم تلخ‌کامی‌ها که همیشه در زندگی ما رخ میده، ناامید نیستیم و اصلاً همین چیزاست که بهم نیرو میده تا سرپا باشم و به رؤیا پردازی ادامه بدم.»

چسبید به اینترنت

وقتی وحید توانایی‌اش برای انجام کارهای فنی را به طور کامل از دست داد، مغازه‌اش را تخته کرد و با خرید یک مودم اینترنتی، چسبید به اینترنت و فضای وب. وحید آن‌روزها آموزش‌های رایگان اینترنتی را سفت و سخت دنبال می‌کرد تا اصول برنامه‌نویسی کامپیوتری را یاد بگیرد. وقتی سایت مخصوص خودش را راه‌اندازی کرد، یکی از رقائیش که می‌خواست کسب و کار صنعتی راه بیندازد، از او خواست یک سایت مثل مال خودش، برای او هم بسازد. وحید توانست این سایت را ۵۰ میلیون بفروشد و ۱۰ درصد از آن را به عنوان دستمزد بردارد. درآمدش که بالا رفت، برای خودش یک ویلچر، یک لپ‌تاپ و گوشی آخرین مدل خرید. بزرگ‌ترین مشکل آن روزهای وحید، تایپ کردن با کیبورد لپ‌تاپش بود. به همین خاطر، یک نرم‌افزار طراحی کرد که کیبورد مجازی تلفن همراهش را به لپ‌تاپ متصل می‌کرد!

بیش از ۳ هزار نفر

وحید رجبلو آن‌قدر برای رفت و آمد در شهر و انجام کارهای روزمره‌اش با مشکل مواجه می‌شد که به فکر ساخت وب‌سایتی برای ارائه خدمات به معلولان افتاد. سه ماه پس از راه‌اندازی وب‌سایت «همیار مهر»، حدود ۵۰۰ نفر در آن عضو شدند. پس از آنکه چند نمایشگاه فناوری به او برای شرکت در نمایشگاه غرفه رایگان دادند، سایت همراه مهر در میان توان‌یابان گل کرد. وحید به فکر توسعه کسب و کارش افتاد و پس از تغییر نام آن به «توانیتو» سایتش را تبدیل به استارت‌آپ کرد. استارت‌آپ توانیتو حالا بیش از ۳ هزار عضو دارد که به طور مداوم از این اپلیکیشن استفاده می‌کنند. روش کار این استارت‌آپ هم به این صورت است که خدمات مخصوص معلولان و افراد کم‌توان را در منزل برایشان فراهم می‌کند یا حتی در مواردی برای توان‌یابان متقاضی کار، در استارت‌آپ‌های مختلف مثل «تپسی» و «سنپ» کار جور می‌کند.

تسلیم نمی‌شوم

وحید اگرچه ۳۰ کارمند دارد و روی صندلی مدیریت دفتر یک استارت‌آپ بزرگ می‌نشیند اما هنوز به تمام آرزوهایش نرسیده و قصد دارد مسیر پیشرفتش را حالا حالا‌ها ادامه دهد. اگر می‌خواهد انگیزه و روحیه نظیر وحید رجبلو را در درک کنید، باید پاسخش را به خیرنگاری که از او درباره انگیزه‌اش می‌پرسد را قول خودش سراز کار خدمات کامپیوتری رفت. اتاق بخوانید: «سال‌ها پیش خرید یک کامپیوتر برای من به مکافات تبدیل شده بود، چون اطرافیان در ابتداء مخالف بودند و اصلاً ضروری نمی‌دانستند چون کج خانه نشسته بودم. اطرافیا فکر می‌کردند من در حال بازی کردن با کامپیوتر هستم، چون من را آدم بی‌سوادی می‌دانستند که جسم بیماری دارد. وقتی کسی چنین مسائلی پیش افتاده‌ای برایش مکافات بود، دیگر برای هر مسئله‌ای راهکاری پیدا می‌کند. شاید برایتان عجیب باشد اما همین بیماری هم من را متوقف نکرد. بنا به گفته پزشکان آدمی با سطح گرید ۱۲ بیماری که من دارم، تا ۲۷‌سالگی بیشتر زنده نمی‌ماند، اما من ۳۰‌سالگی را هم پشت سر گذاشتم و هنوز هستم چون تسلیم این بیماری نشدم و نخواهم شد.»

و مدرسه چیزی برای یاد دادن به تو ندارد! شاید اگر مادرم به من می‌گفت مدرسه تو را به خاطر وضعیت جسمانی‌ات نمی‌خواهد، من هیچ‌گاه اعتمادبه‌نفس امروز را نداشتم.» همان‌زمان بود که بیماری‌اش اوج گرفت و هر دو ماه یک بار به خاطر عفونت در بیمارستان بستری می‌شد. حدود ۶ تا ۷ سال درگیر جراحی‌های اشتباه روی ستون فقراتش بود به همین خاطر تا ۱۳ سالگی حتی خواندن و نوشتن را هم یاد نداشت. از ۱۳ سالگی به بعد که روند درمانش را راها کرد، تصمیم گرفت هزینه‌های درمانش را خودش دربرآورد. از همان موقع مسئول ساخت کاردستی‌های کوچک مثل دستبند، گردنبند و... شد و این آغاز روند استقلال مالی وحید بود. در این بین خواهر وحید تصمیم گرفت به او خواندن و نوشتن یاد بدهد. استعدادش اما آن‌قدر عجیب و غریب بود که در عرض یک سال و نیم دوره دبستان را به پایان رساند، راهنمایی را هم زودتر از موعد تمام کرد و دبیرستان را آغاز کرد. تا دوم دبیرستان ادامه داد اما از آنجا به بعد باید معلم خصوصی می‌گرفت؛ به همین خاطر دوباره قید درس‌خواندن را زد و برگشت به دنیای کاردستی‌ها خلاقانه‌اش.

ادامه ماجرا را از زبان خودش بخوانید: «کارهایی مانند سیاق‌مقلم، مجسمه‌سازی، سفالگری و... انجام می‌دادم. مادرم برایم کتاب آموزشی می‌خرد یا اگر تلویزیون برنامه آموزشی داشت، با دیدن آن برنامه فوت و فن کار را یاد می‌گرفتم. مثلاً در هنر سیاق‌مقلم این‌قدر پیشرفت کردم که این هنر را درس هم می‌دادم و شاگرد داشتم. دو سه سال هم به این صورت گذشت و من کم کم به ۱۹ سالگی رسییده بودم. بیماری‌ام در حال پیشرفت بود. دست‌هایم به اندازه‌ای ضعیف شده بود که دیگر نمی‌توانستم مداد را در دستم بگیرم. خواهرم پیشنهاد داد کامپیوتر بخریم. اما مشکل مالی برای خرید کامپیوتر داشتیم و پدرم توان مالی آن را نداشت.»

مغازه خانگی

پدرش شرط کرده بود برای خرید کامپیوتر باید مرکزی شمرط دوم هم این بود که پیش پرداخت را خودش بپردازد. وحید آن روزها‌ه در بساطش نداشت به همین خاطر سلاته سلاته رفت دم خانه اجاره‌ای قدیمی‌شان و خط تلفنی که آنجا داشتند را فروخت تا پول پیش کامپیوترش دربیاید. چندماه بعد از خرید کامپیوتر، پدرش را راضی کرد برایش چاپگر بخرد. بعد زد توی کار نرم‌افزار «ورد» و «فیس». کار با این دو نرم‌افزار را که یاد گرفت، به خواهر و برادرهایش می‌گفت تکالیف همکلاسی‌هایش را بیاورند خانه تا او برایشان تایپ کند و در ازای آن مبلغ کمی دریافت کند.

وحید تا چند سال از همین طریق درآمدزایی می‌کرد اما بعد از اینکه چندبهار دل و روده کامپیوترش را بیرون ریخت، به چم و خم کار فنی سوار شد و به قول خودش سراز کار خدمات کامپیوتری رفت. اتاق بخوانید: «استخدام کرد تا با نظارت او، مغازه خانگی‌اش را بچرخاند.»

محمد تربت‌زاده به قول خودش «توان‌یاب» است، نه «معلول». توان‌یابی که فقط ۲ درصد از بدنش یعنی تقریباً دو انگشت از یک دستش، قابلیت حرکت دارند! «وحید رجبلو» اما در حال حاضر مدیر یک استارت‌آپ حرفه‌ای با حدود ۳۰ کارمند است. برخلاف تصور خیلی‌ها، نه بچه قسمت‌های شمالی شهر به حساب می‌آید و نه خانواده پولداری داشته که با وجود معلولیت او را به مدارس خاص و گرانتیمنت بفرستند. تنها تفاوت وحید با دیگر توان‌یاب‌ها اما انگیزه عجیب و غریب و همت و پشتکارش است که او را از تایپ کردن تکالیف همکلاسی‌ها در مدرسه به برنامه‌نویسی و راه‌اندازی استارت‌آپ رسانده است.

اشتباه پزشکی

از همان روز اولی که به دنیا آمد، شکل و فرم بدنش با سایر بچه‌ها تفاوت داشت. آن زمان البته پزشک‌ها نتوانستند بیماری SMA را تشخیص دهند. به همین خاطر انواع و اقسام عمل‌های سنگین را روی ستون فقراتش انجام دادند. پدر وحید آن روزها قصاب بود و نمی‌توانست خرج سنگین عمل‌های وحید را جور کند. به همین خاطر پس از انجام چند عمل، قید پروژه درمان او را زدند و به جسات فیزیوتراپی بسنده کردند. وحید درباره آن روزهای می‌گوید: «خانواده من به لحاظ مالی متوسط هستند. پدرم شغلش قصابی است و در یک مغازه قصابی کار می‌کند. ما پنج خواهر و برادر هستیم و خانواده‌ای هفت نفره داریم. هزینه‌های خانواده ما زیاد بود. هزینه تحصیل خصوصی و درمان و پیگیری و مراقبت و نگهداری از من خیلی سنگین بود. به همین دلیل از یک جایی درمان را راها کردم و تنها فیزیوتراپی و کاردرمانی را ادامه دادم.»

البته بعدها مشخص شد که تشخیص پزشک‌ها کاملاً اشتباه بوده و با انجام عمل‌های سنگین روی ستون فقرات وحید، صدمات جبران‌ناپذیری به او وارد کرده‌اند و اصلاً به‌سا اگر عمل‌ها را انجام نمی‌دادند، حالا وحید توانایی حرکت دادن دست‌ها و سر و گردنش را داشت.

غیر قابل درمان

بیماری وحید یک مرضی ارثی به‌حساب می‌آید که تقریباً غیرقابل درمان است. البته دانشمندان همین چند چند ماه پیش دارویی را برای درمان نوزادان مبتلا به SMA اخته‌اند اما قیمتش چیزی در حدود ۲ میلیون دلار است. یعنی تقریباً ۸۴ میلیارد تومان برای هر بار استفاده! این بیماری در اثر نقص‌های ژنتیکی ایجاد می‌شود و از همان زمان تولد شروع به پیشروی می‌کند؛ تا جایی که توانایی حرکتی بدن را به طور کامل از بین می‌برد. وحید وقتی متوجه این بیماری شد که خیلی برای کنترلش دیر بود. او حالا اما تمام تلاشش را می‌کند تا ۲ درصد توان حرکتی‌اش را حفظ کند و اجازه ندهد اندام‌های حرکتی‌اش به طور کامل از کار بیفتند.

تو باهوشی

به سن مدرسه که رسید، هیچ‌کدام از مدرسه‌های تهران حاضر به ثبت‌نامش نشدند. خودش درباره آن روزها می‌گوید: «وقتی مدرسه من را ثبت‌نام نکرد، مادرم به من نگفت مدرسه ثبت‌نامت نکرده است، بلکه گفت تو آن‌قدر باهوشی که نیازی نداری به مدرسه بروی

آن روزها

خانه خاندان کاظمی‌ها



قدس زندگی: خانه‌های حیاط دار، با سبک معماری ۱۰۰ سال پیش، حوض آب بزرگی که ماهی‌های قرمززش دل بیننده‌ها را می‌برد، چند درخت کوچک و بزرگ، در و پنجره چوبی و... اگرچه داشتن در شهرها و زندگی‌های امروزی تقریباً به رؤیا تبدیل شده است اما دیدنش رؤیا نیست. مثلاً تعدادی از خانه‌های معروف که در تهران که متعلق به آدم‌ها و شخصیت‌های سرشناس قدیمی بوده، مدت‌هاست بازسازی شده و همه مردم می‌توانند از آن‌ها بازدید کنند و دقایقی را در حال و هوای خانه‌ها و زندگی‌های ۱۰۰ سال پیش نفس بکشند. یکی از این آثار باستانی خانه خاندان کاظمی‌هاست که در کمال زیبایی و چشم‌نوازی از دوران قاجار به یادگار مانده است. کارشناسان می‌گویند بنای خانه کاظمی که اکنون ۱۸۰۰ مترمربع مساحت دارد، بنای کامل‌تری بوده که به‌نظر می‌رسد به مرور زمان قسمت‌هایی از آن در سمت غربی از آن جدا شده است. سرای کاظمی با ۱۰۰ سال قدمت یکی از کامل‌ترین خانه‌های تهران است که دو حیاط شمالی و جنوبی، دو ورودی، اندرونی، آب‌انبار و سردخانه، رختشویخانه، تالار و اتاق‌های متعدد با دو حمام مختص مردان و زنان و همچنین هشتی خانه که شامل تنورخانه، انبار و پستو بوده را در خود داشته است.

آن ورتر از خیر!

خدا کند که ...

قدس زندگی: دادستان عمومی و انقلاب شهرستان فردیس دیروز به خبرگزاری‌ها گفت: «کودک زباله‌گردی که توسط دو جوان مورد اهانت و تحقیر قرار گرفت شناسایی شده. نامش «زلمه» و تبعه افغانستان است و مدت ۲۰ روز است که در شهرستان فردیس ساکن شده و در یک مرکز جمع‌آوری زباله سکونت داشته است. هماهنگی‌های لازم با نهادهای حمایتی انجام گرفته تا برای این کودک کار امکانات تحصیلی فراهم شود.» خبر واقعاً خوشحال‌کننده است حتی خوشحال‌کننده‌تر از خبر دستگیری فردی که «زلمه» را داخل زباله‌دان انداخته بود تا فیلمش در فضای مجازی دست به دست شود. ضمن اینکه آرزو می‌کنیم هر روز شاهد انتشار خبرهای خوبی از این دست باشیم این را هم آرزو می‌کنیم که حمایت از «زلمه» و دیگر کودکان کار محدود به روزهای پس از انتشار فیلم و خبرش در فضای مجازی نشود. خدا کند حمایت‌هایی از این دست در مورد همه کودکان کار دنباله‌دار و حساب‌بده باشد تا مسئولان دیگر هم، کم کم به فکر حل مشکلات کودکان کار باشند.



فرهنگ و هنر

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸

۷ ربيع الثانی ۱۴۴۱
۴ دسامبر ۲۰۱۹
۲۰ سی و دوم| شماره ۹۱۲۵



قائم‌مقام شبکه «تسیم» :

تولیز یون برند «خندوانه» را حفظ می کند



پخش «دورهمی» که پیش از این تهیه‌کننده‌اش اعلام کرده بود آذر ماه روی آنتن می‌رود، اظهار کرد: مجموعه‌ای از عوامل وجود دارد که موجب شده حتمی بودن ساخت و پخش مجموعه «دورهمی» محقق نشود و ما نه می‌توانیم بگوییم این مجموعه پخش می‌شود و نه می‌توان گفت پخش نمی‌شود. وی درباره اینکه شنیده شده بود که عوامل برنامه قرارداد هم بسته‌اند، ادامه داد: تاکنون هیچ‌چیز قطعی نیست و هر گاه نتیجه قطعی حاصل شد، اعلام خواهیم کرد. کاظمی همچنین درباره سرنوشت تولید سریی جدید برنامه «خندوانه» هم گفت: «خندوانه» یکی از برندهای تلویزیون است. تلویزیون برندهایش را بین نمی‌برد بلکه آن‌ها را پرورش می‌دهد. مواظبت و همراهی می‌کند که از بین نروند. قائم‌مقام شبکه تسیم تأکید کرد: «خندوانه» از جمله برندهایی است که حتماً تلویزیون آن را حفظ خواهد کرد اما هر گاه زمان آن برسد تولید می‌شود. وی اضافه کرد: فصل جدید «کودک شو» را خواهیم داشت. مسابقه «دست قرمون» هم ادامه پیدا می‌کند و تلاش ما این است که به یک برند تلویزیونی تبدیلش کنیم.

لوریس چکناواریان:

دولت مشخص کند ایرانِ بافرهنگ می‌خواهد

یا ایران تجاری؟



فرهنگ و هنر: لوریس چکناواریان می‌گوید، «دولت باید مشخص کند که ایران بافرهنگ می‌خواهد یا ایران تجاری» و ادامه می‌دهد: «هیچ بجایی نباید نگران این باشد که برای کنسرت و تئاتر پول ندارد». سومین برنامه از فصل دوم «شوران» با حضور لوریس چکناواریان – آهنگساز و موسیقیدان ۸۲ ساله – دوشنبه ۱۱ آذر از شبکه چهار سیما روی آنتن رفت. چکناواریان در این برنامه از موسیقی به عنوان معجزه‌ای بزرگ یاد کرد که می‌تواند جهان را زیباتر کند و ادامه داد: موسیقی درمان بسیاری از دردهاست و قدرت بازسازی فرهنگ را دارد. موسیقی زبان خداست و آن‌قدر بزرگ است که تمام آفریده‌های خدا صدا دارد و بدون صدا زندگی دیوانه‌کننده است. وی در بخش دیگری از برنامه گفت: البته برخی از موسیقی سوءاستفاده می‌کنند و افرادی هستند که می‌خواهند جوانان را منحرف کنند. اینجا وزارت ارشاد باید کمک کند، باید بیشترین بودجه را داشته باشد، چون از فرهنگ مردم حراست می‌کند. من همیشه ناراحتم که چرا مردم دنیا فکر می‌کنند مولانا ترکیه‌ای است. می‌گویم کتاب‌ها چاپ کنید و کنفرانس‌ها برگزار کنید تا مولانا را به عنوان یک ایرانی بشناسند اما ارشاد می‌گوید بودجه نداریم. چرا نباید بودجه داشته باشد؟ وی گفت: تمام ار کسترها و اپراهای دنیا توسط دولت‌ها حمایت می‌شوند تا بلیت ارزان داشته باشند و مردم بتوانند بروند و ببینند. اما وزارت ارشاد بودجه کافی ندارد. دولت باید مشخص کند که ایران بافرهنگ می‌خواهد یا ایران تجاری؟ مگر مسجد و کلیسا می‌رویم پول می‌خواهیم؟

زمانی در ارمنستان بود که در سه‌روزه‌روزی یکی، دو ساعت بیشتر برق نداشتیم اما هر هفته کنسرت داشتم با نرخ بلیت یک روبل و من هزینه‌ها را از طریق دیگر تأمین می‌کردم، چون لازم بود، چون فرهنگ‌ساز بود. این هنرمند ۱۲ ساله تأکید کرد: هنر باید در خدمت باشد. وزارت ارشاد باید اینجا مانند ارتش ایستد و روی هنرمندان جوان هزینه کند، چون این‌ها آینده کشور هستند. دولت باید این فکر را بکند، کاری که آلمانی‌ها، اتریشی‌ها، فرانسوی و آمریکایی‌ها کردند، چون می‌دانند اگر فرهنگ نباشد، از بین می‌روند.

چکناواریان اذعان کرد: اپرای مولانا را نوشته‌ام اما متأسفانه اسپانسر ندارم که آن را اجرا کنم. قرار بود کپارستمی کارگردانی اپرا را انجام دهد و فیلمش را بسازد اما فرصت نیافت.

ا فرهنگ و هنر/ زهره کهندل: «آخرین

داستان» نخستین انیمیشن بلند سینمایی به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر است که ساخت آن حدود ۱۰ سال زمان برده است. داستان این فیلم برداشتی آزاد از روایت «شحاک» در شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی است که تصویرگری، صداگذاری و موسیقی جذابی دارد. این انیمیشن که سیمرغ بهترین انیمیشن را در جشنواره سی و هفتم فیلم فجر گرفته است، در جشنواره بین‌المللی فیلم انیمیشن آنسی که مهم‌ترین جشنواره سالانه انیمیشن جهان به شمار می‌رود، حضور داشته و معرفی شده است.

این انیمیشن که یکی از نمایندگان ایران در اسکار ۲۰۲۰ است، از هفته گذشته روی پرده سینماهای کشور آمده است. اکبر زنجابور، حامد بهداد، لیلا حاتمی، پرویز پرستویی، مجید مظفری، اشکان خلیبی، باران کوثری، حسن پورشیرازی، شقایق فراهانی، ملیکا شریفی‌نیا، فرخ نعمتی، بیتا فرهی و زهیر یاری از مجموع بازیگرانی هستند که روی شخصیت‌های این انیمیشن صداگذاری کرده‌اند. با کارگردان انیمیشن درباره این اثر سینمایی که بدون داشتن سرگروه سینمایی در زمان اکران با مشکلاتی روبه‌رو شد، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

♦ **از زمان اکران فیلمتان راضی هستید؟**
چاره دیگری نداشتیم. اگرچه فصل پاییز فصل خوبی برای اکران نیست اما زمان جشنواره فیلم فجر و اسفند ماه، زمان‌های مرده‌تری برای اکران هستند. آن‌قدر ترافیک فیلم زیاد است که اگر به همین زمان هم راضی نشویم، فرست را از دست می‌دهیم. اکران فیلم ما خیلی دیر شده بود و فرش را باز نگذاشتیم. اگرچه این فیلم، سیمرغ جشنواره فیلم فجر را گرفته بود و امکان اکران در عید نوروز را داشت ولی مسائلی داشتیم که باید رفع می‌کردیم و کمی زمان برد. تقریباً از اواسط تابستان برنامه‌ریزی برای اکران را شروع کردیم که نزدیک‌ترین زمان برای اکران، آذرماه بود.

♦ **به فروش فیلمتان در گیشه امید دارید؟**
چهارشنبه هفته پیش روز شروع اکران این فیلم بود که جلو اکران ما را گرفتند و عملاً روز اول اکران را از دست دادیم چون یکسری کانغذای‌های اداری را باید انجام می‌دادیم که می‌توانستند با ملاطفت بیشتری برخورد کنند و فرش را باز بگذارند ولی این کار را نکردند. ضمن اینکه اجازه پیش‌فروش نداشتیم و زمان اکران هم سانس‌های ما را بستند که حرکت بدی بود. می‌توانستند بگویند که فلان نقص اداری را رفع کنید و ۲۴ ساعت وقت دارید ولی بدون ادری از این موضوع باخبر شویم، دیدم که اکران‌ها بسته



مهدی قزلی:

حضور پنج نویسنده «اثر اولی» در میان نامزدهای دوازدهمین جایزه جلال

فرهنگ و هنر: دبیر اجرایی دوازدهمین جایزه ادبی جلال گفت: پنج نویسنده از ۲۶ نویسنده نامزد در این دوره «اثر اولی» محسوب می‌شوند. نشست خبری دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد با حضور محمدرضا شرفی، خوشن، دبیر علمی و مهدی قزلی، دبیر اجرایی جایزه صبح روز سه‌شنبه ۱۲ آذرماه در محل بنیت بیکر، در آستانهای ایرانیان برگزار شد.

در ابتدای این نشست قزلی با ارائه آماری از وضعیت این دوره جایزه جلال اظهار کرد: اعضای هیئت علمی که از سبوی دبیر هیئت امنا جایزه پیشنهاد می‌شوند و پس از تأیید اکثریت اعضا از رئیس بنیت امنا حکم عضویت در هیئت علمی جایزه را دریافت می‌کنند، شامل منبژه آرمین، مریم بردارن، حمیدرضا شاه‌آبادی و محمدرضا شرفی خوشن دبیر علمی است.

♦ **مبلغ جایزه هسنگ جایزه کتاب سال**

وی با اشاره به آمار جوایز دوره‌های پیشین گفت: در پنج دوره اخیر (دوره هفتم تا یازدهم) آثار منتشرشده از ۲۲ ناشر از جایزه

گفت‌وگو با کارگردان پویانمایی «آخرین داستان» که این روزها روی پرده سینماهاست

قصه‌ای از شاهنامه در فصل سرد سینما



برش

من به فروش فیلم امیدوار هستم به این شرط که به ما سانس بدهند و بگذارند که این فیلم در سالن‌ها و شهرهای مختلف اکران شود

♦ **چه طیفس مخاطبی را برای این فیلم موردنظر دارید؟**

فیلم ما مشخصاً برای نوجوان و بزرگسال است و برای طیف سنی ۱۲ سال به بالا کارشناسی شده که کارشناسی درستی است. با توجه به اینکه فیلم در فصل پاییز اکران شده امیدواریم که از ظرفیت مدارس استفاده کنیم. البته اکنون مشکل آلودگی هوا را داریم در حالی که روز اول اکران ۵۰۰ دانش آموز فیلم را دیدند و خیلی هم لذت بردند. این فیلم یک بازی موبایلی هم دارد که عده زیادی از دانش آموزان دبیرستانی پس از تماشای فیلم، بازی آخرین داستان را هم دانلود کردند و از سوی آن‌ها مورد استقبال قرار گرفت.

♦ **نوجوانان دبیرستانی سطح توقع بالایی از فیلم‌های انیمیشن دارند چون تولیدات داخل را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه**

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه

را از نظر فنی با انیمیشن‌های خارجی مقایسه